

## مقایسه رویکرد مدیریت مشارکتی و رویکرد مدیریت متمرکز در حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی استان کرمان

رضا انجم شعاع - کارشناس ارشد مدیریت دولتی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان  
حسین آزادی\* - دکتری ترویج کشاورزی، مدیریت ترویج و مشارکت مردمی استان خراسان رضوی  
محمد طاهر بوستانی - کارشناس و رئیس ترویج اداره کل منابع طبیعی استان کرمان

### چکیده

مدیریت مشارکتی به عنوان یک رویکرد انسانی و نوین، امروزه در سازمان‌ها رواج گسترده‌ای یافته است. اخیراً، این رویکرد در عرصه منابع طبیعی نیز به عنوان یک رویکرد پایدار انسانی مورد تأکید قرار گرفته است. با اینکه مطالعات زیادی به نقاط قوت این رویکرد اشاره داشته‌اند، با این حال، هیچ مطالعه جامعی به مقایسه این رویکرد با رویکرد متمرکز به عنوان رویکرد مرسوم مدیریت در حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی در داخل کشور نپرداخته است. براین اساس، مطالعه حاضر، به بررسی مقایسه‌ای مدیریت مشارکتی و مدیریت متمرکز (غیرمشارکتی) در حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی استان کرمان پرداخته است. در این مطالعه که به روش تحقیق پیمایشی صورت گرفته است، تعداد ۱۹۷ نفر از «مجربان» طرح‌های حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی در چهار شهرستان استان کرمان به روش نمونه‌گیری ساده تصادفی انتخاب شدند. در این رابطه پرسشنامه‌ای تنظیم و اقدام به جمع‌آوری اطلاعات از نمونه مذکور شد. روایی پرسشنامه به روش روایی صوری و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ تعیین و مورد تأیید قرار گرفت. به منظور مقایسه دورویکرد، سه دسته فرضیه در قالب فرضیه‌های کارکردی، ساختاری و پیرامونی مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج این تحقیق نشان داد که شش فرضیه از فرضیه‌های هفتگانه کارکردی، کلیه فرضیه‌های ساختاری و پنج فرضیه از فرضیه‌های پیرامونی، مورد تأیید قرار گرفتند. بدین ترتیب و براساس نتایج این پژوهش، به طور کلی سازه‌های کارکردی، ساختاری و پیرامونی در رویکرد مدیریت مشارکتی میانگین و یانمره بالاتری را در مقایسه با مدیریت متمرکز دریافت کردند. در نتیجه، رویکرد مشارکتی در مقایسه با رویکرد متمرکز، رویکرد مطلوب‌تر و به منظور حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است.

**واژه‌های کلیدی:** مدیریت مشارکتی، مدیریت متمرکز، منابع جنگلی، کرمان.

## مقدمه

بسیاری از متخصصان توسعه معتقدند مهم‌ترین بعد توسعه، توسعه انسانی است که هدف آن، محور قرار دادن انسان و مشارکت همه جانبه‌ی وی در تمامی فعالیت‌های توسعه است. بنابراین، نه تنها رفع نیازهای اساسی از قبیل خوراک، اشتغال، بهداشت، مسکن و آموزش مهم است، بلکه رعایت حقوق مردم و نیز مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌هایی که بر زندگی خانواده و اجتماعشان مؤثر است به همان اندازه اهمیت دارد. امروزه کمتر نگاشته‌ای در ادبیات توسعه را می‌توان یافت که از مشارکت مردمی بحثی به میان نیاورده باشد. از اوایل دهه ۱۹۷۰، به ویژه در سال‌های اخیر، رویکردهای مشارکتی به توسعه، مورد توجه بسیار قرار گرفته است. در حال حاضر، در سطوح ملی و بین‌المللی، روز به روز بیشتر درباره اهمیت مشارکت هم به عنوان یک وسیله و هم به عنوان یکی از هدف‌های توسعه اتفاق نظر دارند (گاری، ۱۳۷۱). این درحالی است که با وجود اهمیت و تأکید فزاینده‌ای که بر نهادینه‌سازی مشارکت شده است، این مفهوم، هنوز یکی از مشکل‌ترین و بحث‌انگیزترین موضوعات عصر ما در زمینه توسعه است. مشکل بودن آن بدین علت است که جزء لاینفک توزیع مجدد قدرت اقتصادی، سیاسی و روند توسعه بوده و لذا مورد قضاوت‌های ارزشی قرار گرفته است. بحث‌انگیز بودن آن بدین دلیل است که محتوای آن عملاً از ایدئولوژی و فلسفه هر کشوری تبعیت می‌کند. علی‌رغم اینکه هدف از مشارکت، توانمندسازی افراد برای مشارکت خودجوش است، اما برخی مطالعات نشان داده‌اند که اغلب از مردم خواسته می‌شود در فعالیت‌هایی شرکت کنند که چندان مورد علاقه آنها نیست (Witcombe, 1996). در واقع، هنگامی که متخصصین، اهداف برنامه را در کنترل دارند، آنها هستند که تصمیم می‌گیرند چه چیزی برای بهره‌بردار اولویت دارد و چه چیزی از درجه اولویت خارج است. برخی از صاحب‌نظران، مشارکت را فرآیند درگیری بهره‌برداران طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی در تصمیم‌گیری و اجرای آنها و نهایتاً بهره‌مندی از موهبت آن می‌دانند (آرمند، ۱۳۷۹). مشارکت را به عنوان پدیده یا فرآیند اختیار دادن به محرومان دانسته و بر تحکیم قدرت توده‌های محروم دلالت می‌کند (Chambers & Jiggins, 1978). مشارکت مردم در فعالیت‌ها، طیفی است که از مشارکت «قابل دستکاری» به مشارکت «خودخواسته یا نهادینه» می‌تواند تغییر یابد و در این بین مشارکت انفعالی، مشارکت مشاوره‌ای، مشارکت با توجه به انگیزنده‌های مادی، مشارکت کارکردی و مشارکت هم‌کنشی را می‌توان قرار داد (آرمند، ۱۳۷۹). «واترز - بایر و بایر» در سال ۱۹۹۴ به نقل از «پرتی» (Pretty) به بحث در مورد نوع‌شناسی مشارکت پرداخته است. وی هفت نوع مشارکت را بر روی یک طیف قرار می‌دهد.

۱- مشارکت منفعل: این نوع مشارکت، نوعی اعلام یک جانبه توسط یک اداره یا مدیریت یک پروژه است که بدون در نظر گرفتن واکنش متقابل مردم صورت می‌گیرد.

۲- مشارکت در دادن اطلاعات: افراد با مورد مشورت قرار گرفتن مشارکت می‌کنند و مأموران غیربومی به نظرات آنها گوش می‌دهند. این افراد غیربومی هم مشکلات و هم راه‌حل‌های آن را تعریف می‌کنند.

۳- مشارکت از طریق مشورت کردن: افراد با مورد مشورت قرار گرفتن مشارکت می‌کنند و مأموران غیربومی به نظرات آنها گوش می‌دهند. این افراد غیربومی، به کمک افراد بومی، هم مشکلات و هم راه‌حل‌های آن را تعریف می‌کنند و ممکن است این مشکلات و راه‌حل‌ها با شنیدن نظرات افراد تغییر کند.

۴- مشارکت برای مشوق‌های مادی: این نوع مشارکت بسیار رایج است. افراد با فراهم آوردن منابع، مثلاً نیروی کار مشارکت می‌کنند.

۵- مشارکت عملکردی: افراد با تشکیل گروه‌هایی برای تشکیل جلسه در مورد اهدافشان (اهداف از پیش تعیین شده) در ارتباط با طرح مشارکت می‌کنند.

۶- مشارکت متقابل: افراد در تحلیل مشترک که منجر به ایجاد طرح‌های عملی و تشکیل نهادهای محلی جدید می‌شود یا قوی شدن وجود دیگری، مشارکت می‌کند. این امر موجب مشارکت و درگیری بین رشته‌ای روش شناختی‌ها که اهداف چندگانه را دنبال می‌کنند، می‌شود. همچنین، این امر موجب خلق و بکارگیری فرآیندهای سیستماتیک و یادگیری ساختاری می‌شود.

۷- خود تجهیز (خودبسیجی): افراد با فراهم آوردن آغازکننده‌های غیروابسته به نهادهای خارجی، به منظور تغییر سیستم‌ها مشارکت می‌کنند. چنین نیروهایی که خود بسیج شده‌اند، ممکن است توزیع قدرت را تغییر دهند یا ندهند.

در حالی که در سال‌های اخیر تعدادی از متخصصان به دنبال مدیریت مشارکتی در عرصه منابع طبیعی و کشاورزی بوده‌اند. فرآیند نهادینه‌سازی مشارکت در مدیریت این عرصه به تازگی عنوان گردیده است (Middendorf & Busch, 1997). این در حالی است که به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، مشارکت بهره‌برداران، در جریان طرح و اجرای برنامه‌های مختلف توسعه، هم یک هدف و هم یک وسیله است. به عنوان یک هدف، بهره‌برداران در فرآیند یک تجربه آموزشی، استعداد و توان خود را برای تفکر، مشکل‌یابی و مشکل‌گشایی، در زمینه‌های فنی و اجتماعی می‌آزمایند و به تدریج صاحب تجربه و نظر می‌شوند که در واقع دستیابی به اهداف تکامل و تعالی بهره‌برداران است. به عنوان یک وسیله، شرکت دادن مردم در جریان طرح و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی ضمن منظور نمودن نظرات اصیل آنان در متن برنامه و دخالت دادن انتقادات و پیشنهادهای سازنده آنان در شیوه‌های اجرایی در واقع تعهد ضمنی آنان برای قبول مسؤلیت‌های اجرایی تضمین می‌گردد (شهبازی، ۱۳۷۵). پژوهشگران و کارگزاران توسعه به طور فزاینده‌ای نیاز به مشارکت بهره‌برداران در فرآیندهای یادگیری و عمل دارند، که البته این مسئله نیازمند توسعه موقعیت آنها می‌باشد. این امر منجر به ابداع روش‌های مدیریتی با محوریت مشارکت برای نهادینه کردن این مفهوم گشته است

(Vankeer, 1998). براساس واقعیت‌های یاد شده در دهه‌های اخیر رویکرد مدیریت مشارکتی در حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی در سطح جهان و در کشورمان، ایران مطرح شده است. که حق ساکنان مناطق جنگلی را در بهره‌برداری و کارایی آنان در حفظ و نگهداری جنگل مورد توجه قرار می‌دهد. این رویکرد مدیریتی در سال‌های اخیر در طرح‌های حفاظت منابع جنگلی استان کرمان نیز اعمال شده است. این استان با وسعت ۱۸/۳ میلیون هکتار، تقریباً ۹ میلیون هکتار مرتع و ۲ میلیون هکتار جنگل را در برمی‌گیرد. بیش از ۶۰ درصد مراتع استان، فقیر و بسیار فقیر است و بخش اصلی جنگل‌های استان، جنگل‌های مخروطه و تنک است. در نتیجه این وضعیت، جنگل‌ها از وظیفه اصلی خود یعنی حفاظت از منابع خاک و آب استان باز مانده‌اند و خسارت ناشی از سیل هر ساله بالغ بر میلیارد‌ها ریال است و سالانه نزدیک به ۳۰ میلیون تن خاک زراعی از میان می‌رود. هر چند شرایط اقلیمی استان به لحاظ میزان بارندگی و شدت تبخیر بی‌شک در ایجاد این وضعیت مؤثر است، اما نقش عامل انسانی در این تخریب نیز تعیین‌کننده است. بنابراین در شرایط حاضر یافتن راهی برای متوقف کردن تخریب و ایجاد شرایط احیاء پایدار همراه با بهره‌برداری متناسب ضروری است.

## اهداف و فرضیات

### ◀ هدف کلی:

هدف کلی این پژوهش «بررسی مقایسه‌ای مدیریت مشارکتی و مدیریت متمرکز (غیرمشارکتی) در حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی در استان کرمان» می‌باشد.

### اهداف ویژه:

- بر این اساس، اهداف ویژه این تحقیق عبارتند از:
- ۱- بررسی مقایسه‌ای سازه‌های کارکردی در دو رویکرد مدیریت مشارکتی و متمرکز در حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی استان کرمان؛
  - ۲- بررسی مقایسه‌ای سازه‌های ساختاری در دو رویکرد مدیریت مشارکتی و متمرکز در حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی استان کرمان؛
  - ۳- بررسی مقایسه‌ای سازه‌های پیرامونی در دو رویکرد مدیریت مشارکتی و متمرکز در حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی استان کرمان.

### ◀ فرضیه‌ها:

- براساس اهداف ویژه این تحقیق، فرضیه‌های زیر مطرح می‌باشد:
- ۱- میانگین سازه‌های کارکردی در رویکرد مدیریت مشارکتی بیشتر از رویکرد متمرکز است؛
  - ۲- میانگین سازه‌های ساختاری در رویکرد مدیریت مشارکتی بیشتر از رویکرد متمرکز است؛
  - ۳- میانگین سازه‌های پیرامونی در رویکرد مدیریت مشارکتی بیشتر از رویکرد متمرکز است.

### روش تحقیق

در این مطالعه، با توجه به اهداف فوق، از تحقیق پیمایشی<sup>۱</sup> استفاده شد. پس از تعیین منطقه و جمعیت مورد مطالعه، با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای - تصادفی<sup>۲</sup> نمونه مورد نظر تعیین گردید. آنگاه پس از انجام مطالعه راهنما<sup>۳</sup> و تجزیه و تحلیل داده‌ها به جمع‌آوری داده‌ها از نمونه‌های مورد نظر اقدام گردید.

### جامعه آماری تحقیق

«مجریان»<sup>۴</sup> کلیه طرح‌های مشارکتی حفاظت جنگلی استان کرمان که تجربه مدیریت قبلی را داشته‌اند، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند. از ۱۶ شهرستان این استان، در ۸ شهرستان به نام‌های کرمان و بردسیر، بافت، بم، سیرجان، جیرفت، شهر بابک، زرنند و رفسنجان تعداد ۹۶۵ طرح اجرا شده است که با استفاده از فرمول کوکران از تعداد ۱۹۷ طرح به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی نمونه‌گیری شد.

ابزار سنجش: ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه‌هایی بودند که از پیش طراحی گردیده‌اند. به منظور درک بهتر نظرات پاسخگویان (مجریان طرح‌های مشارکتی حفاظت جنگلی استان کرمان) و نیز پاسخگویی به اهداف تحقیق، سؤالات به هر دو صورت باز و بسته جمع‌آوری گردید.

آزمون ابزار سنجش: به منظور آزمون ابزار سنجش و جمع‌آوری اطلاعات نهایی و در سطحی وسیع، به یک مطالعه راهنما اقدام شد. هدف از انجام این مطالعه، سنجش میزان روایی<sup>۵</sup> و پایایی<sup>۶</sup> پرسشنامه و رفع نواقص احتمالی و در صورت نیاز اصلاح ابزار سنجش بود. بدین منظور، ابتدا پرسشنامه‌ای طراحی و با نظر سنجی از صاحب‌نظران، اعتبار صوری<sup>۷</sup> آن سنجیده شد. سپس، با انجام ۳۰ مصاحبه (با مجریان طرح‌های مشارکتی حفاظت جنگلی که خارج از نمونه انتخاب شده بودند)، مطالعه راهنما انجام شد. به منظور سنجش میزان پایایی سؤالات طراحی شده جهت سنجش متغیرها، از آزمون آلفای کرونباخ (Cronbach Alpha) استفاده شد. مقدار این پارامتر برای مجموعه متغیرهایی که به منظور سنجش یک شاخص در این مطالعه طراحی گردیده‌اند، به شرح زیر بود:

1. Survery Research
2. Stratified random sampling
3. Pilot Study

۴. این افراد در حال حاضر، طرح‌های خود را به صورت مشارکتی اداره می‌کنند، در حالی که پیش از این، طرح‌های خود را به شکل متمرکز (غیرمشارکتی) اداره می‌کردند. بدین ترتیب، افراد مورد مطالعه تجربه و قابلیت مقایسه هر دو رویکرد مدیریت را دارا می‌باشند.

5. Validity
6. Reliability
7. Face Validity

۱- سازه‌های کارکردی:  $Cronbach \alpha = ۰/۷۱$

۲- سازه‌های ساختاری:  $Cronbach \alpha = ۰/۸۳$

۳- سازه‌های پیرامونی:  $Cronbach \alpha = ۰/۷۹$

از آنجا که در نتیجه این مطالعه، مقادیر به دست آمده برای ( $\alpha$ , Cronbach) در سطحی خوب و قابل قبول بود، پایایی سوالات مذکور تأیید و در نتیجه پرسشنامه نهایی طراحی و اقدام به جمع‌آوری اطلاعات شد.

### یافته‌ها و بحث

#### ◀ سابقه کار مجریان:

در اولین گام، سابقه کار مجریان مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول (۱) آمده است. برای درک بهتر نظرات ایشان، جدول (۱) به چهار طبقه تقسیم شده است که طبقه افراد با سابقه کار بیش از ۲۰ سال با فراوانی ۱۰۹ نفر، بیش از نیمی (۳/۵۵٪) از جمعیت مورد مطالعه را تشکیل داده و دارای بیشترین فراوانی می‌باشد. بالاخره، افراد با سابقه کار (۶-۱۰) سال، ۱۱/۲٪ (۲۲ نفر)، دارای کمترین فراوانی در این زمینه می‌باشند.

جدول (۱) - مقایسه فراوانی، درصد نسبی و تجمعی «مجریان» مورد مطالعه بر حسب سابقه

| سابقه کار (سال) | فراوانی | درصد نسبی | درصد تجمعی |
|-----------------|---------|-----------|------------|
| < ۶             | ۲۵      | ۱۲/۷      | ۱۲/۷       |
| ۶-۱۰            | ۲۲      | ۱۱/۲      | ۲۳/۹       |
| ۱۱-۲۰           | ۴۱      | ۲۰/۸      | ۴۴/۷       |
| > ۲۰            | ۱۰۹     | ۵۵/۳      | ۱۰۰        |
| جمع کل          | ۱۹۷     | ۱۰۰       | ۱۰۰        |

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

#### سطح سواد مجریان:

با توجه به اهمیت سطح سواد مجریان در معرفی راهکارهای افزایش مشارکت، اقدام به سنجش این متغیر شد. نتایج این سنجش در جدول (۲) آمده است. همان‌طور که این جدول نشان می‌دهد، بیشترین فراوانی به افرادی تعلق دارد که دارای تحصیلات در حد «خواندن و نوشتن» هستند. این افراد با فراوانی ۶۸ نفر، بیش از یک سوم (۳۴/۷٪) افراد مورد مطالعه را

شامل می‌شوند. با این حال، پس از گروه مذکور، افراد طبقه‌های «بیسواد» و «متوسطه» به طور مشترک قرار گرفته‌اند که با فراوانی ۳۳ نفر، کمتر از یک پنجم (۱۶/۸٪) از این جمعیت را تشکیل می‌دهند. این در حالی است که کمترین فراوانی در این مورد به افرادی تعلق دارد که فقط تا پایان «راهنمایی» درس خوانده‌اند. گروه مذکور با فراوانی ۱۶ نفر، تنها ۸/۲٪ از افراد مورد مطالعه را شامل می‌شوند.

جدول (۲) - مقایسه فراوانی، درصد نسبی و تجمعی «مجریان» مورد مطالعه بر حسب سطح سواد

| سطح سواد     | فراوانی | درصد نسبی | درصد تجمعی |
|--------------|---------|-----------|------------|
| بیسواد       | ۳۳      | ۱۶/۸      | ۱۶/۸       |
| خواندن نوشتن | ۶۸      | ۳۳/۴      | ۵۱/۵       |
| ابتدایی      | ۲۶      | ۱۳/۳      | ۶۴/۸       |
| راهنمایی     | ۱۶      | ۸/۲       | ۷۳/۰       |
| متوسطه       | ۳۳      | ۱۶/۸      | ۸۹/۸       |
| دانشگاهی     | ۲۰      | ۱۰/۲      | ۱۰۰        |
| جمع کل       | ۱۹۶     | ۱۰۰       | ۱۰۰        |

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

#### نوع شغل (اصلی) مجریان:

با سنجش اصلی‌ترین نوع شغل مجریان مورد مطالعه به این نتیجه می‌رسیم که افرادی که پیشه کشاورزی، شغل اصلی آنها محسوب می‌شود، با فراوانی ۹۰ نفر، کمتر از نیمی (۴۸/۱٪) از جمعیت مورد مطالعه را تشکیل داده و دارای بیشترین فراوانی می‌باشند. افراد دارای شغل آزاد با ۱۴ نفر فراوانی، تنها ۷/۵٪ از جمعیت مورد مطالعه را تشکیل داده و دارای کمترین فراوانی می‌باشند. بعد از کشاورزان، دامداران دارای بیشترین فراوانی می‌باشند (جدول ۳).

جدول (۳) - مقایسه فراوانی، درصد نسبی و تجمعی «مجریان» مورد مطالعه بر حسب نوع شغل (اصلی)

| نوع شغل (اصلی) | فراوانی | درصد نسبی | درصد تجمعی |
|----------------|---------|-----------|------------|
| کشاورز         | ۹۰      | ۴۸/۱      | ۴۸/۱       |
| شغل آزاد       | ۱۴      | ۷/۵       | ۵۵/۶       |
| دامدار         | ۴۹      | ۲۶/۲      | ۸۱/۸       |
| بهره‌بردار     | ۱۹      | ۱۰/۲      | ۹۲/۰       |
| سایر           | ۱۵      | ۸/۰       | ۱۰۰        |
| جمع کل         | ۱۸۷     | ۱۰۰       | ۱۰۰        |

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

#### میزان تخصص مجریان در شغل فعلی:

با توجه به اهمیت موضوع، میزان تخصص مجریان در شغل فعلی شان نیز مورد بررسی قرار گرفت (جدول ۴). افراد با میزان تخصص «زیاد» (۶۹ نفر)، با دربرگرفتن بیش از یک سوم (۱/۳۷٪) از جمعیت مورد مطالعه، بیشترین فراوانی را دارا می‌باشند. این در حالی است که افراد با میزان تخصص «خیلی کم»، در جمعیت مورد مطالعه وجود نداشته و دارای کمترین فراوانی می‌باشد.

جدول (۴) - مقایسه فراوانی، درصد نسبی و تجمعی «مجریان» مورد مطالعه بر حسب میزان

| میزان تخصص در شغل فعلی | فراوانی | درصد نسبی | درصد تجمعی |
|------------------------|---------|-----------|------------|
| خیلی کم                | ۰       | ۰/۰       | ۰/۰        |
| کم                     | ۱       | ۰/۵       | ۰/۵        |
| متوسط                  | ۵۸      | ۳۱/۲      | ۳۱/۷       |
| زیاد                   | ۶۹      | ۳۷/۱      | ۶۸/۸       |
| خیلی زیاد              | ۵۸      | ۳۱/۲      | ۱۰۰        |
| جمع کل                 | ۱۸۶     | ۱۰۰       | ۱۰۰        |

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)



### مقایسه میانگین‌ها: آزمون فرضیه‌ها

همان‌گونه که بیان شد، هدف کلی این تحقیق بررسی مقایسه‌ای مدیریت مشارکتی و مدیریت متمرکز (غیرمشارکتی) در حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی در استان کرمان است. در این راستا فرضیه‌هایی مطرح شد که در این بخش به آزمون آنها اقدام شده است.

### سازه‌های کارکردی

جدول (۵) با استفاده از آماره T فرضیه‌های هفت‌گانه فوق را مورد آزمون قرار داده است. همان‌طور که این جدول نشان می‌دهد، از بین فرضیه‌های کارکردی هفت‌گانه، شش فرضیه تأیید و تنها یک فرضیه رد شده است.

### جدول (۵) - فرضیه‌های کارکردی (نتایج آزمون T)

| سطح معنی‌داری | مقدار T | میانگین* (مدیریت متمرکز) | میانگین* (مدیریت مشارکتی) | فرضیه‌های کارکردی   |
|---------------|---------|--------------------------|---------------------------|---|
| ۰/۰۰          | ۵۵/۸۷   | ۲/۸۱                     | ۶/۷۴                      | میزان کنش‌های و سودمندی نتایج حاصل از اجرای طرح‌های حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی                          |
| ۰/۲۴          | ۴۳/۰۷   | ۲/۸۵                     | ۳/۳۸                      | میزان برخورداری و تصمیم‌منابع حاصل از اجرای طرح‌های حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی کل جامعه                 |
| ۰/۰۰          | ۳۵/۸۷   | ۲/۷۵                     | ۶/۳۲                      | میزان تمایل مجریان در تسهیم هزینه‌ها و ارائه برخی نهاده‌ها در زمینه حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی          |
| ۰/۰۰          | ۴۰/۹۷   | ۱/۴۳                     | ۳/۴۴                      | میزان تفاوت طرح‌های حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی  |
| ۰/۰۰          | ۳۵/۶۲   | ۲/۸۷                     | ۷/۲۶                      | میزان تمایل مجریان در انجام فعالیت‌های نوآورانه و مشارکتی در زمینه حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی           |
| ۰/۰۰          | ۳۰/۸۸   | ۱/۳۲                     | ۳/۳۹                      | میزان تمایل سایر بهره‌برداران یا مجریان در انجام فعالیت‌های مشارکتی در زمینه حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی |
| ۰/۰۰          | ۳۳/۳۸   | ۱/۳۸                     | ۳/۱۳                      | میزان کاهش هزینه‌ها در طرح‌های حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی   |

بر اساس نتایج این جدول، میانگین شاخص‌های ششگانه «میزان کارآیی و سودمندی نتایج حاصل از اجرای طرح‌های حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی»، «میزان تمایل مجریان در تسهیم هزینه‌ها و ارائه برخی نهاده‌ها در زمینه حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی»، «میزان تداوم طرح‌های حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی»، «میزان تمایل مجریان در انجام فعالیت‌های نوآورانه و مشارکتی در زمینه حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی»، «میزان تمایل سایر بهره‌برداران با مجریان در انجام فعالیت‌های مشارکتی در زمینه حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی» و «میزان کاهش هزینه‌ها در طرح‌های حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی» در مدیریت مشارکتی به ترتیب ۶/۷۴، ۶/۳۲، ۳/۴۴، ۷/۲۶، ۳/۳۹، ۳/۱۳ و ۳/۱۳ می‌باشد که در مقایسه با مدیریت متمرکز (به ترتیب با میانگین‌های ۲/۸۱، ۲/۷۵، ۱/۴۳، ۲/۸۷ و ۱/۳۲) دارای مقادیر بالاتر و معنی‌داری است. بر این اساس، فرضیه‌های کارکردی یکم، سوم، چهارم، پنجم، ششم و هفتم تأیید گردیده و فرضیه دوم به دلیل پایین بودن اختلاف میانگین‌ها (۳/۳۸ در مقابل ۲/۸۵ به ترتیب برای مدیریت مشارکتی و متمرکز) معنی‌دار نشده و بنابراین قابل تأیید نمی‌باشد. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که در بیشتر شاخص‌های کارکردی، مدیریت مشارکتی میانگین و یا نمره بهتری در مقایسه با مدیریت متمرکز را به خود اختصاص می‌دهد که به مفهوم کارکرد بهتر این نوع مدیریت در حفظ و بهره‌برداری از منابع جنگلی است.

### سازه‌های ساختاری

فرضیه‌های چهارگانه فوق در جدول (۶) با استفاده از آماره T مورد آزمون قرار گرفته‌اند. همان‌طور که این جدول نشان می‌دهد، کلیه فرضیه‌های ساختاری به طور معنی‌داری تأیید شده‌اند. بر اساس نتایج این جدول، میانگین شاخص‌های چهارگانه «میزان امکان تعامل مجریان و کارشناسان اداره منابع طبیعی»، «میزان درک انتظارات مجریان و ساکنان منطقه توسط دولت و بالعکس»، «میزان وجود بستر لازم برای ایجاد تشکل‌های لازم در حفظ و احیاء منابع جنگلی» و «میزان انتقال مشکلات مجریان به اداره منابع طبیعی» در مدیریت مشارکتی به ترتیب ۷/۰۶، ۹/۲۱، ۳/۴۴ و ۳/۴۴ می‌باشد که در مقایسه با مدیریت متمرکز (به ترتیب با میانگین‌های ۲/۳۷، ۴/۲۶، ۱/۲۱ و ۱/۱۶) دارای مقادیر بالاتر و معنی‌داری است.

جدول (۶) - آزمون فرضیه‌های ساختاری (نتایج آزمون T)

| سطح معنی‌داری | مقدار T | میانگین* (مدیریت متمرکز) | میانگین* (مدیریت مشارکتی) | فرضیه‌های ساختاری   |
|---------------|---------|--------------------------|---------------------------|---|
| ۰/۰۰          | ۵۱/۱۶   | ۲/۳۷                     | ۷/۰۶                      | میزان امکان تعامل مجریان و کارشناسان اداره منابع طبیعی                  |
| ۰/۰۰          | ۴۰/۵۲   | ۴/۲۶                     | ۹/۲۱                      | میزان درک انتظار مجریان و ساکنان منطقه توسط دولت و بالعکس               |
| ۰/۰۰          | ۳۷/۵۵   | ۱/۲۱                     | ۳/۴۴                      | میزان وجود بستر لازم برای ایجاد شکل‌های لازم در حفظ و احیاء منابع جنگلی |
| ۰/۰۰          | ۴۰/۴۳   | ۱/۱۶                     | ۳/۴۴                      | میزان امکان اتصال مشکلات مجریان به اداره منابع طبیعی                    |

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق) \* دامنه تغییرات: (۱۰-۰)

در نتیجه، کلیه فرضیه‌های ساختاری تأیید می‌گردند. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که در کلیه شاخص‌های ساختاری، مدیریت مشارکتی میانگین و یا نمره بهتری در مقایسه با مدیریت متمرکز را به خود اختصاص می‌دهد که به مفهوم ساختار مطلوب‌تر این نوع مدیریت در حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی است.

سازه‌های پیرامونی

جدول (۷) فرضیه‌های هفت‌گانه فوق را با استفاده از آماره T مورد آزمون قرار داده است. براساس نتایج این جدول، از بین فرضیه‌های پیرامونی، پنج فرضیه تأیید و دو فرضیه رد شده است. بدین معنی که، میانگین شاخص‌های پنج‌گانه «میزان همکاری مجریان با دولت و بالعکس در طرح‌های حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی»، «میزان همکاری مجریان در برنامه‌ریزی و ارائه مشورت به کارشناسان اداره منابع طبیعی»، «میزان استفاده دولت از دانش بومی و تجربه مجریان در طرح‌های حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی»، «میزان ایجاد انگیزه توسط دولت در مجریان به منظور حفظ و احیاء منابع جنگلی» و «میزان همکاری مجریان در کاشت درخت در مناطق کویری و عرصه منابع طبیعی با دولت» در مدیریت مشارکتی به ترتیب ۶/۸۹ و ۶/۶۹، ۶/۸۸ و ۳/۲۷، ۳/۵۶ می‌باشد که در مقایسه با مدیریت متمرکز (به ترتیب با

میانگین‌های ۳/۲۰، ۲/۶۵، ۱/۱۴، ۱/۵۰ و ۳/۰۷ دارای مقادیر بالاتر و معنی‌داری است.

جدول (۷) - آزمون فرضیه‌های پیرامونی (نتایج آزمون T)

| فرضیه‌های پیرامونی   | میانگین (تفاوت جدولی) | میانگین (تفاوت جدولی) | میانگین (تفاوت جدولی) | میانگین (تفاوت جدولی) |
|--|-----------------------|-----------------------|-----------------------|-----------------------|
| میزان همکاری مهربان با دولت و بالکنی در طرح‌های حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی                               | ۶۶۹                   | ۳/۲۰                  | ۳۵/۵۶                 | ۰/۰۰                  |
| میزان همکاری مهربان در برنامه‌ریزی و ارائه مشورت به کارشناسان اداره منابع طبیعی                                  | ۶۸۹                   | ۲/۶۵                  | ۳۲/۲۷                 | ۰/۰۰                  |
| میزان تأثیر بافت فرهنگی مردم منطقه در تصمیم‌پذیری منابع حاصل از اجرای طرح‌های حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی | ۳/۱۴                  | ۲/۴۱                  | ۲۳/۷۷                 | ۰/۱۹                  |
| میزان استفاده دولت از دانش بسومی و تجربه مهربان در طرح‌های حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی                    | ۳/۵۶                  | ۱/۱۴                  | ۴۶/۹۴                 | ۰/۰۰                  |
| میزان ایجاد انگیزه توسط دولت در مهربان به منظور حفظ و احیاء منابع جنگلی  | ۳/۲۷                  | ۱/۵۰                  | ۲۹/۷۷                 | ۰/۰۰                  |
| میزان برگزاری کلاس‌های آموزشی، ترویجی در زمینه حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی                                | ۳/۴۳                  | ۳/۲۳                  | ۳۶/۹۵                 | ۰/۲۱                  |
| میزان همکاری مهربان در کاشت درخت در مناطق کوهپایه و حوضه منابع طبیعی با دولت                                     | ۶/۸۸                  | ۳/۰۷                  | ۳۲/۸۰                 | ۰/۰۰                  |

\*دامنه تغییرات: (۱۰-۰)

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

براین اساس، فرضیه‌های پیرامونی یکم، دوم، چهارم، پنجم و هفتم تأیید گردیده و فرضیه‌های سوم و ششم به دلیل پائین بودن اختلاف میانگین‌ها (۳/۱۴) در مقابل ۲/۴۱ برای فرضیه سوم و ۳/۴۳ در مقابل ۳/۲۳ برای فرضیه ششم به ترتیب برای مدیریت مشارکتی و متمرکز) معنی‌دار نشده و بنابراین قابل تأیید نمی‌باشد. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر شاخص‌های کارکردی، مدیریت مشارکتی میانگین و یا نمره بهتری در مقایسه با مدیریت متمرکز را به خود اختصاص می‌دهد که به مفهوم کارکرد بهتر این نوع مدیریت در

حفظ و بهره‌برداری از منابع جنگلی است.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تفاسیر متفاوتی در مورد واژه «مشارکت» وجود دارد. یک وجه عمده مشارکت، افزایش مهارت‌های دستی و فنی، صلاحیت مدیریت و برنامه‌ریزی و توانمندی فکری و تحلیلی مردم است. در این نقطه است که مفهوم مشارکت در معنای اختیار دادن به مفهوم توسعه به معنای تحقق توانمندی‌ها و استعداد‌های بالقوه انسان نزدیک می‌شود. در این مفهوم، جایگاه مدیریت مشارکتی مشخص می‌شود به طوری که متخصصان نوین مدیریت، مشارکت را یکی از اصول اساسی مدیریت نوین به حساب می‌آورند. اصولاً مدیریت مشارکتی با آگاه‌سازی روستائیان و عشایر از توانایی‌ها و توانمندی‌های بالفعل و بالقوه خود و تقویت انگیزه و افکار آنها به منظور ایجاد تشکل‌ها و سازمان‌های مؤثر و کارآ توسط خودشان و مهیا کردن آنها برای پذیرش فن‌آوری‌ها و نگرش‌های جدید، نقش بسیار مهم و مؤثری در ارتقای فرهنگ مشارکت، افزایش درآمد، رفاه و سطح زندگی و در نتیجه توسعه مشارکتی دارند. لذا، مشارکت در رویکردهای نوین مدیریت به عنوان پیش‌نیاز و کانون اصلی مشارکت در طرح‌های توسعه محسوب می‌شود. یکی از مهم‌ترین این طرح‌ها در منابع طبیعی، طرح‌های مدیریت منابع جنگلی است که تاکنون اکثر کشورهای در حال توسعه برای مدیریت منابع طبیعی و بخصوص منابع جنگلی بکار می‌رفته است. رویکرد مدیریت غالب این منابع، مدیریت متمرکز مبتنی بر دستگاه ادارات دولتی است که در آن تمام مراحل تهیه طرح، اجرا و ارزیابی توسط نیروهای وابسته به آن انجام می‌شود و تنها در برخی از مراحل اجرا از ساکنان منطقه به عنوان نیروی کار موقت یا دائمی استفاده شده و یا کار را به صورت پیمانکاری به بخش خصوصی واگذار می‌کنند. با این همه، روند تخریب جنگل‌ها افزایش یافته است. ادارات جنگل‌بانی در تمام کشورهای در حال توسعه برای جلوگیری از این تخریب فاجعه‌بار به طرز مایوس‌کننده‌ای ناکافی هستند، تعداد نگهبانان در اکثر این کشورها صدها یا هزاران نفر است، در حالی که شمار ساکنان جنگل و حاشیه آن میلیون‌ها نفر است. پرسش تعیین‌کننده آن است که چه اقداماتی می‌تواند جنگل‌ها را حفظ کند. این کاری است که از تصمیمات سریع و راه‌حل‌های آسان فراتر می‌رود. براساس واقعیت‌های یاد شده در دهه‌های اخیر رویکرد مدیریت مشارکتی در حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی در سطح جهان و در کشورمان ایران مطرح شده است، که حق ساکنان مناطق جنگلی در بهره‌برداری و کارایی آنان را در حفظ و نگهداری جنگل مورد توجه قرار می‌دهد. این رویکرد مدیریت در سال‌های اخیر در طرح‌های حفاظت منابع جنگلی استان کرمان نیز اعمال شده است. در نتیجه تخریب شدید منابع جنگلی استان کرمان، جنگل‌ها از وظیفه اصلی خود یعنی حفاظت از منابع خاک و آب باز مانده‌اند، به طوری که خسارت ناشی از سیل، هر ساله بالغ بر میلیارد ریال است و سالانه نزدیک به ۳۰ میلیون تن خاک زراعی از میان می‌رود. هر چند شرایط اقلیمی استان به لحاظ میزان بارندگی و شدت

تبخیر بی‌شک در ایجاد این وضعیت مؤثر است، اما نقش عامل انسانی در این تخریب نیز تعیین‌کننده است. بنابراین در شرایط حاضر یافتن راهی برای متوقف کردن تخریب و ایجاد شرایط احیاء پایدار همراه با بهره‌برداری متناسب ضروری است. براین اساس، این پژوهش به منظور «بررسی مقایسه‌ای مدیریت مشارکتی و مدیریت متمرکز (غیر مشارکتی) در حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی در استان کرمان» صورت گرفت. این مطالعه نشان داد که:

● در بیشتر شاخص‌های کارکردی، مدیریت مشارکتی میانگین و یا نمره بهتری در مقایسه با مدیریت متمرکز را به خود اختصاص می‌دهد که به مفهوم کارکرد بهتر این نوع مدیریت در حفظ و بهره‌برداری از منابع جنگلی است.

● کلیه شاخص‌های ساختاری، مدیریت مشارکتی میانگین و یا نمره بهتری در مقایسه با مدیریت متمرکز را به خود اختصاص می‌دهد که به مفهوم ساختار مطلوب‌تر این نوع مدیریت در حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی است.

● در بیشتر شاخص‌های کارکردی، مدیریت مشارکتی میانگین و یا نمره بهتری در مقایسه با مدیریت متمرکز را به خود اختصاص می‌دهد که به مفهوم کارکرد بهتر این نوع مدیریت در حفظ و بهره‌برداری از منابع جنگلی است.

● بدین ترتیب و در مجموع، این مطالعه نشان داد که رویکرد مدیریت مشارکتی، به لحاظ کارکردی، ساختاری و پیرامونی، رویکرد مطلوب‌تری در حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی استان کرمان می‌باشد.

براین اساس توجه و تأکید بر بکارگیری رویکرد مشارکتی در حفاظت و بهره‌برداری از منابع جنگلی به منظور بهره‌مند شدن از مزایای کارکردی، ساختاری و پیرامونی این رویکرد پیشنهاد می‌شود.

منابع

- ۱- آرمند، پ (۱۳۷۹). «مشارکت کشاورزان در طرح‌های مشترک تحقیقی - ترویجی: مقایسه مشارکت‌کنندگان و غیرمشارکت‌کنندگان در استان فارس»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کشاورزی دانشگاه شیراز.
- ۲- شهبازی، الف (۱۳۷۲). «ترویج و توسعه روستایی». تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۳- گای. د (۱۳۷۱). «توسعه مشارکتی: چشم‌اندازهایی از تجربه توده‌های روستایی». ترجمه: قائم‌مقامی، ع. گاهنامه روستا و توسعه، ۴: صص (۱۰۷-۵۴).
- 4- Chambers, R. (1997). "Whose Reality Counts? Intermediate Technology Publications." London: Bath Press.
- 5- Middendorf, G. and Busch, L. (1997). "Inquiry for the public good: Democratic participation in agricultural research." Agriculture and Human Values, 14. PP(45-57).
- 6- van Keer, K., Comtois, . D., Turkelboom, F. and Ongprasert, S. (1998). "Options for Soil and Farmer Friendly Agriculture in the Highlands of Northern Thailand." Germany: Deutsche Gesellschaft für Technische Zusammenarbeit (GTZ), GMBH.
- 7- Waters - Bayer, A. & Bayer, W. (1994). "Planning with Pastoralists PRA and more: A Review of Methods Focused on Africa." German Agency for Technical Cooperation : GTZ.
- 8- Witcombe, J. R. Joshi, A., oshi, A. D. and Sthapit, B. R. (1996). "Farmer participatory crop improvement: Varietal selection and breeding methods and their impact on biodiversity." Environmental Agriculture, 32 PP(425-460).